



• درآمد

افزایش قدرت تسلیحاتی و نظامی جنبش مقاومت اسلامی لبنان، مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی را سرگردان، یا سردرگم کرده است. اکنون که سه سال و چند ماه از پیروزی چشمگیر و بی نظیر حزب الله در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ گذشته است. در این مدت بسیاری از فرماندهان و کارشناسان مسائل راهبردی اسرائیل با ارائه تحلیل های گوناگون و واقع بینانه دلایل شکست پذیری جامعه صهیونیستی در برابر قدرت فزاینده حزب الله را تشریح کرده اند. در این گزارش های مستند دیدگاه های دو تن از فرماندهان پیشین ارتش رژیم صهیونیستی به نام های سرلشگر گیورا ایلان رئیس پیشین شورای امنیت ملی اسرائیل و سرلشگر یوسی کویرفاسر مسئول پیشین بخش پژوهش های اداره اطلاعات نظامی ارتش آن رژیم را که در «نشریه ارزیابی های راهبردی» شماره دوم، جلد یازدهم ارگان مرکز مطالعات امنیت ملی وابسته به دانشگاه تل آویو منتشر شده است با هم می خوانیم:

دیدگاه های دو تن از فرماندهان پیشین ارتش رژیم صهیونیستی
پیرامون جنگ ۳۳ روزه

فرماندهان ارتش اسرائیل: چرا نمی توانیم بر حزب الله پیروز شویم؟ ...

افزایش توانایی نظامی ارتش این رژیم می افزاید که ارتش از جنگ دوم با لبنان به طور جدی عبرت گرفته و می کوشد نقاط ضعف را برطرف کند، و آموزه هایی را به مورد اجرا بگذارد. بر این اساس میزان کارایی ارتش به چهار بخش تقسیم می شود. اگر چه وضعیت ارتش در دو بخش بهبود کیفی یافته ولی در دو بخش دیگری هیچ نشانه امیدواری وجود ندارد، و گمان نمی رود که ارتش توانسته باشد مشکلات درونی خود را به طور جدی و اساسی ریشه یابی و حل کند.

آمادگی نیروی زمینی
میزان آمادگی نیروی زمینی نیز در چهار محور بهبود یافته است:

الف: سطح آموزشی.
ب: شایستگی تکنیکی برای استفاده از تجهیزات جنگی.
ج: تأمین و تدارک مهمات و قطعات یدکی.
د: افزایش میزان سطح آموزش و مهارت برای اجرای مأموریت های محوله.

همه این محورها به میزان آموزش و شناخت ابعاد طرح های عملیاتی بستگی داشته، و باید گفت که وضعیت نیروی زمینی در دو سال گذشته در مقایسه با سال های پیشین به کلی بهبود یافته است.
میزان کارآمدی فرماندهان

این بحث از نظریه اجرایی و شیوه فرماندهی ترکیب یافته است. فرماندهان وظیفه دارند برای حفظ انسجام نیروهای خودی و استفاده از بالاترین میزان قدرت، و حفظ آرایش نیروها در مناطق گوناگون عملیاتی کوشا باشند. شیوه و کارایی آن ها باید با شیوه رئیس پیشین ستاد مشترک ارتش متفاوت باشد. لازم است فرماندهان در تئوری های گذشته تجدید نظر نمایند، و طرح های عملیاتی را فعال کنند. شایسته است همه فرضیه ها در جنگ آینده بر این اساس استوار باشند که دستورات ستاد

برابر هجوم احتمالی اسرائیل نتواند مقاومت کند. گیورا ایلان در ادامه این مقاله به سیاستمداران اسرائیلی توصیه می کند چنانچه در آینده جنگی با حزب الله روی دهد، ارتش اسرائیل باید بر ضد دولت لبنان نیز وارد عمل شود.

نویسنده در فصل اول مقاله اش، افزایش قدرت ارتش اسرائیل و حزب الله را نشانه آمادگی قطعی طرفین برای جنگ در آینده مورد ارزیابی قرار داده است.
در فصل دوم، واقعیت های سیاسی داخلی لبنان و جایگاه

بسیاری از پژوهشگران و صاحب نظران اسرائیلی مدعی هستند که پیروزی بر حزب الله به هیچ وجه امکان پذیر نیست، و این ادعاها بسیار منطقی می باشند. زیرا این سازمان از گروه های فعال چریکی تشکیل یافته و به انواع سلاح های پیشرفته مجهز می باشد.

حزب الله و حمایت دولت لبنان از حزب الله را مورد بررسی قرار داده است.

گیورا ایلان در فصل سوم می پرسد چرا اسرائیل بدون مشارکت دولت لبنان در جنگ نمی تواند بر حزب الله به پیروزی قطعی برسد؟

این نویسنده در فصل چهارم به انگیزه اسرائیل از حمله مجدد به حزب الله و پیامدهای جنگ احتمالی و عبرت آموزی از جنگ های پیشین اشاره کرده است.

رئیس پیشین شورای امنیت ملی اسرائیل با اشاره به

سرلشگر گیورا ایلان در مقاله ای تحت عنوان «چرا نمی توانیم بر حزب الله پیروز شویم» در نمای جنگ احتمالی آینده با حزب الله را تشریح کرده است. در این مقاله که نوع بحث های جاری در رژیم صهیونیستی در زمینه پیامدهای جنگ آینده با حزب الله را بیان می کند، آمده است که پس از دومین جنگ با حزب الله (جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶) این احساس در جامعه اسرائیل به وجود آمده که از جنگ های پیشین با حزب الله درس های فراوانی آموخته ایم. اکنون این دیدگاه وجود دارد که اگر جنگ دیگری بین اسرائیل و حزب الله روی دهد به طور منطقی باید گفت که نتایج این جنگ به چند علت از نتایج جنگ های پیشین بهتر نخواهد بود:

علت اول: معادله قدرت بین اسرائیل و حزب الله تاکنون تغییر نکرده است. درست است که وضعیت ارتش اسرائیل نسبت به گذشته بسیار بهبود یافته، اما در همین حال قدرت حزب الله نیز به طرز بی سابقه فزونی یافته است. در ارزیابی نهایی می توان تاکید کرد که در برابر بهبودی وضعیت ارتش اسرائیل، قدرت طرف مقابل (حزب الله) نیز متحول گردیده است.

علت دوم: بسیاری از پژوهشگران و صاحب نظران اسرائیل مدعی هستند که پیروزی بر حزب الله به هیچ وجه امکان پذیر نیست، و این ادعاها بسیار منطقی می باشند. زیرا این سازمان از گروه های فعال چریکی تشکیل یافته و به انواع سلاح های پیشرفته مجهز می باشد. پیروزی بر حزب الله در صورت فراهم شدن سه شرط امکان پذیر خواهد بود که عبارتند از:

- ۱- سازمان حزب الله در چارچوب دولت لبنان با اسرائیل وارد جنگ شود، و نه به عنوان یک سازمان مستقل.
- ۲- این سازمان از حمایت کامل دولت لبنان برخوردار شود.
- ۳- دولت، ارتش و تأسیسات اقتصادی و ساختار لبنان در



وضع سیاسی لبنان
خروج ارتش سوریه از لبنان، جریانات سیاسی زیادی را در این کشور و جهان امیدوار ساخت، که این رویداد به تقویت موقعیت طرفداران غرب در لبنان کمک کند، ولی دیرری نپایید که این امیدواری بر باد رفت. زیرا سازمان حزب الله که از پشتوانه سیاسی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود، به راحتی توانست این خلا را پر کند، و به تدریج موقعیت سیاسی خود را استحکام بخشید. درست است که جنگ دوم اسرائیل با لبنان، پرستیژ سیاسی حزب الله را برای مدت کوتاهی کم رنگ کرد، ولی این مدت کوتاه زود سپری گشت، و وقوع دو حادثه مهم در لبنان موقعیت قدرتمند حزب الله را در صحنه سیاسی این کشور به روشنی آشکار ساخت:

حادثه اول، به بحران اصرار حزب الله به راه‌اندازی شبکه مخابراتی مستقل حزب ارتباط داشت. حزب الله در جریان این بحران ثابت کرد که تنها جریان قدرتمند لبنان است که برای تحمیل اراده و خواست خویش می‌تواند از قدرت نظامی استفاده کند، و مخالفان خود را به تسلیم شدن در برابر این قدرت وادار نماید. در این بحران نه فقط دولت لبنان سر تسلیم در برابر حزب الله فرود آورد بلکه جهان عرب نیز در برابر قدرت حزب الله کمر خم کرد، و دولت لبنان را ملزم ساخت تا موافقتنامه دوحه را بپذیرد. این موافقتنامه به حزب الله امکان می‌دهد مصوبات دولت لبنان را و تو کند.

حادثه دوم در انتخاب میشل سلیمان به عنوان رئیس جمهوری جدید لبنان تجلی یافت. در پی پایان یافتن مدت ریاست جمهوری امیل لحود طرفدار سوریه در لبنان، این امیدواری به وجود آمد تا در این مرحله یک رئیس جمهوری مستقل و بی طرف انتخاب گردد. سوریه و حزب الله موضع شان را در این باره اعلام کرده و خاطر نشان ساختند که با انتخاب رئیس جمهوری دیگری غیر از میشل سلیمان موافقت نخواهند کرد. در نتیجه این موضع گیری، میشل سلیمان به برکت پشتیبانی حزب الله بر مسند ریاست جمهوری لبنان نشست. سلیمان از نخستین روز تصدی این مسئولیت این احساس را بیان کرد که مدیون حزب الله است. استقبال گرم رئیس جمهوری لبنان از سمیر قنطار قاتل (اسرائیلی‌ها) پس از عملیات مبادله اسرا با حزب الله نشانگر این گفتار است. در نتیجه، می‌توان گفت که حزب الله یک اصل معمول و متعارف را در جهان عرب تکمیل کرد. این اصل حاکی است که قدرت اسلحه می‌تواند یک قدرت سیاسی را

حزب الله در سه، یا چهار محور قدرت خود را گسترش داده است:

۱- تعداد موشک‌های حزب الله پس از جنگ گذشته دهها برابر افزایش یافته است. در مقایسه با قدرت موشکی حزب الله در آستانه جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶، سلاح موشکی مهمترین سلاح اصلی حزب الله را تشکیل می‌دهد. بنابراین هر اندازه تعداد موشک‌ها افزایش یابند، متقابلاً توان حزب الله هم برای ادامه جنگ افزایش می‌یابد.

۲- افزایش بُرد موشک‌ها: میزان موشک‌های دوربرد، یا برد کوتاه به مراتب افزایش یافته، و این امکان را به حزب الله می‌دهد تا موشک‌باران اسرائیل را هنگام وقوع جنگ ادامه دهد. حتی اگر ارتش اسرائیل جنوب لبنان را تا رودخانه لیتانی اشغال کند، ولی اشغال این منطقه فقط توانایی حزب الله را برای حمله به شمال اسرائیل با موشک‌های برد کوتاه کاتیوشا کاهش می‌دهد. اما ارتش هرگز نمی‌توان حمله‌های موشکی حزب الله با موشک‌های برد متوسط یا موشک‌های دور برد را متوقف کند. به تعبیری دیگر می‌توان گفت آنچه که در جنگ گذشته گام فعال نامیده می‌شد، در جنگ آینده کفایت نمی‌کند.

۳- پیشروی ارتش اسرائیل به سوی مناطق مسکونی: یکی از مشکلات دشوار ارتش اسرائیل در جنگ دوم لبنان رویارویی با مناطق طبیعی و حفاظت شده حزب الله بود. زیرا حزب الله در جنگ گذشته پایگاه‌ها و اماکن استقرار نیروهای خود را در این مناطق قرار داده، و با موفقیت تمام از آن بهره‌برداری کرد. اتخاذ این شیوه از نظر حزب الله تصمیم درستی بود، و در دو سال گذشته نیز پایگاه‌های زیر زمینی خود را زیر روستاهای شیعه نشین جنوب لبنان احداث کرده است.

بخش اطلاعات و عملیات ارتش اسرائیل در جنگ گذشته بسیار ضعیف عمل کرده، و نتوانست پایگاه‌های زیر زمینی فراوان حزب الله را در مناطق مسکونی جنوب لبنان شناسایی کند. بی‌تردید محدودیت کارایی بخش اطلاعاتی به دشواری‌های ارتش اسرائیل در جنگ آینده می‌افزاید.

افزون بر مشکلات سه گانه یاد شده، برخی اطلاعات آشکار حاکی است که حزب الله به موشک‌های ضد هوایی انفرادی مجهز شده و خطرناکترین این نوع موشک‌ها، موشک (اس، ای، ۱۸) می‌باشد. گرچه این موشک توانایی تعرض به جنگنده‌ها را در ارتفاع بسیار بالا ندارد ولی کار هلی کوپترها را دشوار می‌کند.



رئیس جمهوری و دولت لبنان نه فقط حق حزب الله را به ادامه تملک اسلحه مخصوص خود مشروع می‌دانند، بلکه سلاح حزب الله را ابزار حیاتی و مشروع برای تحقق منافع ملی این کشور می‌دانند. اوضاع و شرایط سیاسی کنونی لبنان برای حزب الله بسیار استثنایی و بی نظیر است.

مشترک قاطعانه و قابل اجرا باشد. باید انتظار داشته باشیم که این ماشین بزرگ جنگی که ارتش دفاع نامیده می‌شود، سست و سهل انگار نباشد، و در مقایسه با جنگهای گذشته فعالانه عمل کند.

ارزش‌ها و روحیه رزمی این موضوع بسیار نگران کننده است که برخی فرماندهان در جنگ گذشته در بسیاری موارد ترجیح دادند بجای حضور در میدان جنگ، در پشت جبهه بمانند. در موارد دیگری هم مأموریت‌های اصلی خود را فراموش کردند. برخی فرماندهان نیز ناکارآمدی خود را به خوبی توجیه کردند. به هر حال آن‌ها باید پاسخگو باشند که چرا مأموریت‌های خود را به نحو مطلوب اجرا نکردند؟ بسیاری از فرماندهان به رفاه و راحتی سربازان‌شان گرایش داشتند. در روزهای اول جنگ گردان‌های کاملی را در کیبوتس‌ها (مزرعه‌ها) نگه داشتند. به حفظ امنیت شهروندان توجه نکردند. این در حالی است که صدها هزار شهروند که ارتش مسئول حمایت از جان و مال آن‌هاست در شرایط دشوار قرار داشتند، یا مورد اصابت قرار گرفتند.

بی‌تردید ارزیابی کارآمدی اندیشه نظامی ارتش کار بسیار دشواری است. زیرا موفقیت در یک عملیات موضعی، هر چند حائز اهمیت راهبردی بوده باشد، اما به طور قطع نمی‌توان گفت که فرماندهی ارتش واقعیت‌های میدان عملیات را خوب ارزیابی می‌کند، و در صورت بروز جنگ دراز مدت و پیچیده می‌تواند تصمیمات سالم و سرنوشت ساز اتخاذ نماید. در نتیجه گیری می‌توان محتاطانه تاکید کرد که تنها در دو بخش ارتش بهبود واقعی و کیفی تحقق یافته است. فزونی قدرت حزب الله



گسترش فزاینده قدرت نظامی حزب الله پس از توقف جنگ دوم اسرائیل با لبنان با بهره برداری از نقاط ضعف قطعنامه شماره ۱۷۰۱ مورخ اوت سال ۲۰۰۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز احتمال روبرویی نظامی اسرائیل با ایران، مهمترین دلایل از سرگیری جنگ بین اسرائیل و حزب الله در آینده می باشند.

در کرانه باختری رود اردن، در آوریل سال ۲۰۰۲ در واکنش به عملیات خرابکارانه حماس در هتل پارک شهر ناتانیا که به کشته شدن ۳۰ اسرائیلی انجامید، آمریکا برای اسرائیل پیام فرستاد و ضمن مخالفت با عملیات مسلحانه حماس، حمله گسترده ارتش اسرائیل به تشکیلات خودگردان فلسطین را پذیرفتی ندانست. آمریکا در ارتباط با لبنان نیز چنین موضعی دارد. دولت آمریکا با سرکوب نیروهای حزب الله مخالفتی ندارد، ولی با هرگونه آسیب رسانی به عزیز کرده های غرب و سازمان ملل متحد در لبنان موافقت نخواهد کرد. هرچند که بسیاری از محافل بین المللی چنین وضعیتی را نمی پذیرند، ولی برای اسرائیل فاجعه آمیز خواهد بود. اسرائیل جز بمباران تأسیسات اقتصادی لبنان راه دیگری ندارد، و این واقعیت را باید بپذیرد. بنابر این چنانچه ضرورت اقتضا کند، اسرائیل باید با همکاری دوستان بین المللی از بروز جنگ سوم و چهارم با لبنان جلوگیری کند. باید راه های دیگری را برای پیروزی بر حزب الله



بخشی از جنوب لبنان هرگز حمله های موشکی حزب الله را متوقف نخواهد کرد. از سوی دیگر حزب الله به طور شتاب زده با توقف جنگ و برقراری آتش بس موافقت نخواهد کرد. زیرا حزب الله با یک ارتش کلاسیک دولتی متفاوت است و نسبت به از دست دادن تعدادی جنگجو و مقادیری اسلحه، یا از دست دادن بخشی از اراضی جنوب لبنان توجه نخواهد کرد. افزون بر آن حزب الله یک دولت نیست و در برابر فشار افکار عمومی و یا فشارهای سیاسی جوامع بین المللی حساسیت نشان نخواهد داد.



پیامدهای احتمالی جنگ آینده تغییر روش ها و راهکارهای جنگی ارتش اسرائیل، امکان دارد به مشروعیت اسرائیل آسیب برساند، و فشارهای بین المللی را در پی داشته باشد. همچنین این احتمال وجود دارد که آمریکا به اسرائیل هشدار جدی بدهد تا تخریب لبنان را متوقف کند. نباید فراموش کرد که با آغاز عملیات نظامی سراسری اسپر بازدارنده

امکان ندارد به راحتی این اهداف را مورد حمله دقیق قرار داد.

شرط دوم تاکتیکی: مهمترین شرط موفقیت در چنین عملیاتی این است که میدان جنگ از مناطق مسکونی خودی و دشمن دور بوده باشد. حزب الله یک تشکیلات نظامی و از قدرت فوق العاده برخوردار است، و نزدیک مناطق مسکونی و پر جمعیت موضع گرفته است. چنانچه آتش جنگ سوم با لبنان برافروخته شود، شکی نیست که نتایج آن مشابه نتایج جنگ پیشین (جنگ سال ۲۰۰۶) خواهد بود. و اگر ارتش اسرائیل در پیکار بر ضد جنگجویان حزب الله به موفقیت هایی نایل شود، واکنش شدید حزب الله را در پی خواهد داشت، و این حزب به سه دلیل به شهروندان اسرائیل لطمه جبران ناپذیر وارد خواهد آورد، و متقابلاً موفقیت های فوق العاده ای کسب خواهد کرد.

دلیل اول: تعداد فراوان موشک های حزب الله.

دلیل دوم: میزان برد موشک ها.

دلیل سوم: شلیک موشک ها از درون مناطق مسکونی. با این وصف امکان ندارد، اسرائیل بتواند سکوهای موشکی حزب الله را از میان بردارد. در بهترین شرایط و در پی تلاش های فزاینده می توان میزان شلیک این موشک ها را دستکم به روزانه چند ده موشک کاهش داد. از سوی دیگر هرگونه تلاش برای دور نگه داشتن شهروندان اسرائیلی از خطر حمله های موشکی حزب الله در جنگ آینده بی فایده است. و این شهروندان همواره در معرض خطر جدی قرار خواهند داشت. اشغال مساحت بزرگی از جنوب لبنان، به طور مثال تا جنوب رودخانه لیتانی، امکان دارد به حزب الله آسیب جزئی برساند و از میزان حمله های موشکی این حزب بکاهد، ولی اشغال



زنده و پویا نگه دارد. امروزه رئیس جمهوری و دولت لبنان نه فقط حق حزب الله را به ادامه تملک اسلحه مخصوص خود مشروع می دانند، بلکه سلاح حزب الله را ابزار حیاتی و مشروع برای تحقق منافع ملی این کشور می دانند. اوضاع و شرایط سیاسی کنونی لبنان برای حزب الله بسیار استثنایی و بی نظیر است.

در لبنان از طرفی یک دولت قانونی و طرفدار غرب و مورد حمایت آمریکا و فرانسه و سازمان ملل متحد و جامعه جهانی وجود دارد، و از طرف دیگر این دولت بکلی تسلیم اراده حزب الله شده است. مهمتر از همه رئیس جمهوری و نخست وزیر لبنان در اظهارات اخیرشان، خواسته های حزب الله مبنی بر ضرورت آزادسازی منطقه کشتزارهای شبعاء را مشروع دانسته اند. مقام های ارشد لبنان، سازمان حزب الله را سپر مدافع لبنان در برابر هر حمله نظامی اسرائیل توصیف کرده اند. در پرتو این واقعیت ها می توان گفت که حزب الله نماینده ایران و به طور محدود نماینده سوریه در لبنان است، و دولت لبنان هم نماینده حزب الله می باشد.

چرا نمی توانیم در لبنان پیروز شویم؟

ارتش دفاع اسرائیل در راستای معادله نظامی با حزب الله در صورتی می تواند به برتری نظامی دست یابد که یک شرط راهبردی و دو شرط تاکتیکی (عملیاتی) فراهم کند:

شرط راهبردی عبارت از این است که دشمن در یک دولت مشخص نماد پیدا کند، و مسئولیت دفاع از مردم و تأسیسات اقتصادی و ساختار زیر بنایی کشور خود را عهده دار باشد، و در برابر جامعه جهانی پاسخگو باشد، و تلفات انسانی و خسارت های مادی در جنگ را بپذیرد. در چنین شرایطی به این دولت می توان فشار وارد آورد، و به او گوشزد کرد که تلفات و خسارت های ناشی از جنگ بیش از منافع جنگ است.

شرط اول تاکتیکی: چنانچه اهداف و جنگ افزارهای دشمن فیزیکی، سخت و آشکار، مانند نیروی زرهی، نیروی هوایی، پایگاه های کنترل و نظارت باشند، می توان گفت که جمع آوری اطلاعات درباره این اهداف و بمباران دقیق آنها کار بسیار ساده است. ولی حمله به اشخاص و اهداف متحرک کار بسیار دشواری است، و



میدان جنگ را به مناطق دورتری در اسرائیل منتقل نماید.

اکنون که پذیرفتهیم حزب‌الله بخشی از دولت و نظام سیاسی لبنان شده است، اسرائیل باید این سیاست راهبردی را ملاک عمل خود را قرار دهد که حزب‌الله واقعا بخشی از نظام سیاسی دولت لبنان می‌باشد. با وجودی که تعداد مخالفان سیاست راهبردی ضربه زدن به تأسیسات اقتصادی لبنان در جنگ آینده با حزب‌الله در مقابل تعداد موافقان این سیاست بسیار است، ولی باید به آن‌ها تذکر داد که شرایط و روند جنگ برای ضربه زدن به حزب‌الله به ویژه با استفاده از نیروی هوایی و شلیک آتش از راه دور کاملا مناسب نبوده و برای جنگ آینده با حزب‌الله باید سیاست راهبردی جدیدی متکی بر حمله‌های زمینی و به موازات آن بمباران تأسیسات زیربنایی غیر نظامی دولت لبنان را در پیش گرفت. زیرا ساختارهای غیر نظامی به طور غیر مستقیم به فعالیت‌های رزمی حزب‌الله کمک می‌کنند. البته بررسی راهکار واکنش محدود به حمله‌های حزب‌الله به منظور جلوگیری از گسترش دامنه جنگ و مهار رویدادهای دوران جنگ قابل تأمل می‌باشد.

سناریوهای آغاز جنگ و اهداف پیش بینی شده در حقیقت تشخیص اهداف راهبردی در رویارویی آینده با حزب‌الله به روند جنگ بستگی دارد. ارتش اسرائیل ضمن در نظر گرفتن همه اهداف مورد نظر، باید میزان آسیب پذیری جبهه داخلی اسرائیل را در حد امکان بکاهد. چنانچه جنگی ناخود آگاه آغاز شود، یا در نتیجه مزاحمت‌های حزب‌الله آغاز گردد، یا اسرائیل در پی عملیات انتقامجویانه حزب‌الله در واکنش به ترور عماد مغنیه آغازگر جنگ باشد، در این صورت باید هدف اصلی اسرائیل تضعیف حزب‌الله و تقویت جریانات میانه‌رو در لبنان باشد. اسرائیل در جنگ آینده نباید به حزب‌الله اجازه دهد قدرت خود را بازسازی کند، و کنترل جنوب لبنان را همچنان در دست داشته باشد، و وانمود کند که مدافع لبنان می‌باشد.

اگر رویارویی آینده با حزب‌الله بهانه‌ای باشد برای آغاز جنگ با ایران در چارچوب تلاش برای جلوگیری از معجز شدن ایران به سلاح هسته‌ای. در این صورت باید هدف راهبردی اسرائیل تلاش روی کاهش تلفات و خسارت‌های ناشی از جنگ در جبهه داخلی متمرکز باشد، و لازم است سایر اهداف راهبردی در درجه دوم

و در این صورت شاید دولت لبنان برای توقف شلیک موشک‌های حزب‌الله به قدرت نظامی متوسل شود، و در نتیجه حزب‌الله به فراخوانی آتش بس ترتیب دهد.

از سوی دیگر نظر به اینکه هویت سازمان حزب‌الله لبنانی است و ادعا میکند که از مردم لبنان در برابر اسرائیل دفاع می‌کند، و قصد ندارد به درد و رنج مردم لبنان بیفزاید، و دوست ندارد کسی او را به تلاش برای تأمین منافع بیگانگان متهم کند، در این صورت این احتمال وجود دارد که زود هنگام ناچار شود آتش بس را بپذیرد.

تحولات سیاسی جاری لبنان دیدگاه‌های فوق الذکر را قوی کرده است. پیوستن حزب‌الله به دولت، پشتیبانی دولت از حزب‌الله در معامله آزادی سمیر قطار در مقابل بازپسگیری اجساد سربازان اسرائیلی از حزب‌الله، پذیرش حق حزب‌الله برای آزادسازی سرزمین‌های جنوب از سوی محافل دولتی لبنان، همه این مسائل امکان بروز هرگونه جدایی میان دولت لبنان و حزب‌الله را منتفی

■ ■ ■

استفاده از قدرت اسلحه از راه دور بر ضد دولت مستقل لبنان یا حزب‌الله هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. حمله وسیع زمینی و اشغال دراز مدت جنوب لبنان نیز بهای سنگینی در پی دارد. خودداری اسرائیل از هرگونه اقدامی، این امکان را به حزب‌الله می‌دهد تا قدرت نظامی خود را گسترش دهد.

کرده، و به این ایده قوت بخشیده که دولت لبنان مسئول رفتارهای گذشته حزب‌الله می‌باشد.

حزب‌الله همچنین این ادعا را میان مردم پایه گذاری کرده که او تنها مدافع غیر رسمی از کشور و مردم لبنان می‌باشد، و باید همه لبنانی‌ها بپذیرند که مسئولیت رویارویی با اسرائیل بر عهده اوست. در همین حال دولت لبنان پیامدهای خطرناک رویارویی مستقیم با اسرائیل را شناخته و ضمن شانه خالی کردن از این مسئولیت، آن را به حزب‌الله که از برتری نظامی قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌باشد واگذار کرده است. با این وصف حزب‌الله با برخورداری از توان موشکی می‌تواند

جستجو کند. اسرائیل باید توسط دوستان خود به دولت و مردم لبنان هشدار دهد چنانچه در آینده جنگی روی دهد، این جنگ به اسرائیل و حزب‌الله محدود نخواهد بود. این جنگ به نابودی ارتش و تأسیسات اقتصادی و ساختار زیربنایی لبنان منجر می‌شود و به مردم لبنان آسیب جدی وارد می‌کند.

سرلشگر یوسی کویرفاسر مسئول پیشین بخش پژوهش‌های اداره اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی نیز در پرتو بحث‌های جاری در محافل نظامی و سیاسی اسرائیل درباره «دورنمای رویارویی با حزب‌الله لبنان» مقاله‌ای در نشریه مزبور منتشر کرده و در آن گفته است که گسترش فزاینده قدرت نظامی حزب‌الله پس از توقف جنگ دوم اسرائیل با لبنان با بهره برداری از نقاط ضعف قطعنامه شماره ۱۷۰۱ مؤرخ اوت سال ۲۰۰۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز احتمال قوی رویارویی نظامی اسرائیل با ایران، مهمترین دلایل از سرگیری جنگ بین اسرائیل و حزب‌الله می‌باشند. زیرا حزب‌الله اکنون به موشک‌های بُرد کوتاه و بُرد متوسط و دور بُرد مجهز شده که تعداد آنها از تعداد موشک‌هایی که در جریان جنگ سال ۲۰۰۶ بسوی اسرائیل شلیک کرد به مراتب بیشتر شده است.

نظر به اینکه اسرائیل در کوتاه مدت توانایی مجهز شدن به تجهیزات ضد موشکی را ندارد. احتمال می‌رود در صورت بروز جنگ در آینده نزدیک، اسرائیل توانایی مقابله با سکوها موشکی حزب‌الله، یا جلوگیری از شلیک انبوه موشک از خاک لبنان را نداشته باشد. بنابراین ارتش اسرائیل به برنامه‌ریزی راهبردی نیاز دارد تا از شلیک انبوه موشک‌های حزب‌الله جلوگیری کند، یا از میزان شلیک آن‌ها بکاهد.

در روزهای اول جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ برخی مقام‌های اسرائیل به ستاد مشترک ارتش پیشنهاد کردند بجای تلاش برای سرکوب مستقیم حزب‌الله، بیشتر حمله‌های هوایی خود را روی بمباران مراکز دولتی و تأسیسات زیربنایی لبنان متمرکز کند. زیرا ارتش اسرائیل امکان هرگونه دسترسی به رزمندگان حزب‌الله را در جبهه‌های جنگ جنوب نداشت.

بنابراین برخی پژوهشگران و فرماندهان نظامی ارتش بر این باورند که گسترش بمباران مراکز دولتی لبنان، امکان دارد فشارهای سیاسی بر حزب‌الله را افزایش دهد،





طرفداران بمباران ساختار زیر بنایی و مراکز اقتصادی لبنان، مدعی هستند که زندگی روزمره شهروندان اسرائیلی در هر صورت باید تداوم یابد، و حق حیات آنان که در معرض حملات موشکی حزب الله قرار می گیرند محفوظ بماند. با این وجود هرگونه تلاش برای توقف حمله های موشکی حزب الله، بمباران ساختار حیاتی لبنان اجتناب ناپذیر است.

را مطرح می کند. بنابراین هرگونه حمله اسرائیل به تأسیسات و ساختارهای اقتصادی لبنان، درست بودن ادعاهای حزب الله را در افکار عمومی ثابت می کند، و اصرار حزب الله به حفظ سلاح خود را موجه جلوه می دهد. جامعه اسرائیل نمی تواند ادعاهای حزب الله را باور کند ولی حزب الله تاکنون موفق شده ایده های خود را به توده مردم لبنان به ویژه شیعیان این کشور بقبولاند. این احتمال وجود دارد که حزب الله روزی موفق شود ایده های خود را به آسانی به جامعه اسرائیل نیز منتقل کند. همچنین این احتمال را نباید سبک شمرد که امکان دارد حزب الله به خشم عمومی سایر اقشار لبنان نسبت به اقدامات وحشیانه اسرائیل دامن بزند، و مخالفان اسرائیل را پیرامون اهداف خود بسیج کند.

چنانچه اسرائیل تأسیسات و ساختار زیربنایی لبنان را بمباران کند، امکان دارد به اثبات ادعاهای حزب الله کمک کند. مهمتر از همه بسیاری از مفاهیم و ارزش های انسانی همچون ایثار و فداکاری در حزب الله نماد پیدا کرده است. لذا بعید نیست که این مفاهیم در دراز مدت در فرهنگ حزب الله ادامه پیدا کند. همچنین این امکان وجود دارد که حزب الله با استفاده از این مفاهیم افکار عمومی جهان عرب و جهان را برای اعمال فشار بر اسرائیل بسیج نماید.

مشکل اصلی که اسرائیل را گرفتار حزب الله کرده، یک پدیده منحصر به فرد است. کشور لبنان پدیده ای بنظیر است. حزب الله از نقاط ضعف دولت لبنان به نحو مطلوب بهره برداری کرده است. مهمترین نقطه ضعف دولت لبنان این است که این کشور از یک نظام سیاسی چند طایفه ای تشکیل شده و این نظام به حزب الله آزادی عمل بخشیده است. مانند آزادی عمل طالبان در افغانستان و آزادی عمل گروه های فلسطینی در سایه حکومت ضعیف تشکیلات خودگردان. هویت نظام طایفه ای لبنان این امکان را برای طایفه شیعه فراهم کرده تا برای اثبات موجودیت خود به عنوان یکی از طوایف بزرگ این کشور از یک سازمان تروریستی به نام حزب الله پشتیبانی کند. حزب الله ضمن برخورداری از پشتیبانی طایفه شیعه لبنان مورد تأیید و حمایت کشورهای سوریه و ایران نیز می باشد. اکنون حزب الله در لبنان حرف اول را می زند. پدیده بی نظیر و منحصر به فرد لبنان، دولت های غربی و اسرائیل را سرگردان کرده است.

بنابر این استفاده از قدرت مسلحه از راه دور بر ضد دولت مستقر لبنان هیچ مشکلی را حل نمی کند. حمله وسیع زمینی و اشغال دراز مدت جنوب لبنان نیز بهای سنگینی در پی دارد. از سوی دیگر خودداری اسرائیل از هرگونه اقدامی، این امکان را به حزب الله می دهد تا قدرت نظامی خود را گسترش دهد. بنابراین راه حل منطقی چیست؟ بهترین راه حل این است که دولت های غربی به تحکیم حاکمیت جریانات براگماتیک و میانه رو در لبنان کمک نمایند. بدون دخالت مستقیم دولت های غربی تحقق این ایده امکان پذیر نخواهد بود.

تاکنون مشخص شده که دولت های غربی راه حل های آسان را در لبنان و غزه تجویز می کنند. یعنی اجازه می دهند جریانات افراطی حاکمیت دولت این کشورها را به دست بگیرند تا میان این دولت ها و کشورهای همسایه مشکلات بروز کند. دولت های غربی بر مبنای این ایده توان نظامی خود را می سازند. این ایده ها در خاورمیانه کارآمد نبوده و به زیان اسرائیل تمام می شود. ■

دارد؟

آیا بمباران تأسیسات و مراکز اقتصادی لبنان می تواند اهداف اسرائیل را تأمین می کند، و حزب الله را به پذیرش آتش بس متقاعد نماید؟ برای پاسخ به این پرسش باید گفت با وجودی که آسیب رسانی به ساختار زیربنایی لبنان، حزب الله را دردمند و نگران می کند، و ادعاهای او را که برای حفظ منافع لبنان با اسرائیل می جنگد بر باد می دهد. ولی بمباران ساختار اقتصادی لبنان هرگونه احتمال را برای موافقت حزب الله با پذیرش آتش بس منتفی می کند. در این مناسبت لازم می داند به این نکته نیز اشاره کنم که در جریان جنگ دوم اسرائیل با لبنان و در پی انهدام پل ها و بسیاری از تأسیسات حیاتی و کشته شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان لبنانی فضای بحث انگیزی در جوامع لبنان و جهان عرب دربارۀ انگیزه حزب الله به وجود آمد و حزب الله سعی کرد از برعهده گرفتن مسئولیت تلفات و خسارت های ناشی از جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ شانه خالی کند. ولی حزب الله هرگز سیاست ها و راهکارهای خود را تغییر نداد.

نظریه کلی حزب الله بر این فرضیه استوار است که اسرائیل نماد شرارت است، و وجود این کبان در منطقه همواره عامل تهدید برای لبنان می باشد. همه مشکلات اقتصادی و نارسایی ها و درد و رنج های مردم لبنان از وجود اسرائیل ناشی می شود. حزب الله به منظور ادامه حیات خود به عنوان یک سازمان مسلح، این ایده ها

قرار گیرند. اگر فرض کنیم اسرائیل در نوار غزه با حماس وارد جنگ وسیع شد و حزب الله کوشید از طریق درگیر شدن با اسرائیل به فلسطینی ها کمک کند. در این صورت مأموریت ارتش اسرائیل مضاعف می شود. به موجب سناریوی نخست، ارتش هم وظیفه دارد جبهه داخلی را در برابر حمله های موشکی حزب الله و حماس مصون بدارد، و هم وظیفه دارد به صورت تدریجی و گام به گام ضربات کوبنده ای بر حزب الله وارد نماید.

روشن است که بمباران تأسیسات نظامی و غیرنظامی، و ساختار اقتصادی لبنان بر اساس سناریوهای یاد شده هرگز نمی تواند به پیشبرد اهداف اسرائیل کمک کند، شاید هم به تحقق اهداف اسرائیل آسیب جدی وارد نماید. بر اساس همین فرضیه شاید محافل طرفدار غرب در لبنان از رفتار حزب الله انتقاد هم نکنند. اما حزب الله سناریوهایی را ارائه خواهد داد که مورد تأیید دولت لبنان خواهد بود. مانند ارائه اهداف ملی همچون تلاش برای آزادسازی منطقه کشتزارهای شبعاء، یا جلوگیری از پرواز هواپیماهای جنگی اسرائیل بر فراز آسمان لبنان. این منطق می تواند موضع حزب الله را موجه جلوه دهد. به هر حال شاید بتوان گفت که اجرای سناریوی بمباران تأسیسات اقتصادی و ساختار حیاتی لبنان از سوی اسرائیل ثمر بخش نباشد، و شاید هم ناممکن بوده باشد.

طرفداران بمباران ساختار زیر بنایی و مراکز اقتصادی لبنان، مدعی هستند که زندگی روزمره شهروندان اسرائیلی در هر صورت باید تداوم یابد، و حق حیات آنان که در معرض حملات موشکی حزب الله قرار می گیرند محفوظ بماند. با این وجود هرگونه تلاش برای توقف حمله های موشکی حزب الله، بمباران ساختار حیاتی لبنان اجتناب ناپذیر است. زیرا ارتش اسرائیل امکان رویارویی مستقیم با پایگاه ها و نیروهای حزب الله را در جبهه های جنگ ندارد. لذا گرایش به این شیوه عیب نیست و چاره دیگری وجود ندارد. من به طرفداران بمباران مراکز دولتی و تأسیسات اقتصادی لبنان توصیه می کنم که اجرای این سناریو باید نتیجه بخش باشد و قبل از هر چیز اهداف اسرائیل را تأمین کند. ولی به طور قطع مطمئن هستم که این شیوه ثمربخش نخواهد بود.

البته این دلیل نمی شود که راه حل های دیگری وجود نداشته باشد. امکان دارد راه حل های دیگر، تلفات سنگینی بر سربازان ارتش اسرائیل در پی داشته باشد. با وجودی که آماده نیستیم جان سربازان خود را به خطر بیندازیم، ولی در سال های اخیر شاهد بودیم که ارزش حق حیات سربازان ما به شدت مخدوش شده است. به رغم اینکه وظیفه سربازان دفاع از حق حیات شهروندان و حاکمیت و امنیت اسرائیل است. و نباید در برابر پاسداری از ارزش های کبان و مردم اسرائیل مسامحه کرد، ولی این عقیده یکی از مهمترین دلایل خودداری ارتش اسرائیل از بسیج همه جانبه نیروهای ذخیره در مراحل نخست جنگ دوم لبنان بوده است.

همین روش را در جنگ سال گذشته با حماس در نوار غزه دنبال کردیم، ارتش اسرائیل بجای دست زدن به حمله گسترده نظامی، شایسته دانست با حماس آتش بس برقرار کند. بر اساس دلایل یاد شده به نظر می رسد موفقیت بمباران تأسیسات و ساختارهای نظامی و غیرنظامی لبنان مشکوک باشند. امیدوارم راه حل های را جستجو کنیم که تلفات سنگینی بر سربازان ارتش و شهروندان اسرائیلی در پی نداشته باشد. بمباران تأسیسات و ساختار لبنان چه سودی

